

## **A Critique on the Book *Capitalism's Achilles Heel: Dirty Money and How to Renew the Free-Market System***

**Mohammad Javad Nourahmadi\***

### **Abstract**

This book explains the impact of dirty money on the functioning of the global capitalist system. Raymond Baker introduces a three-loop interconnected chain of interactions, including lawlessness, inequality, and the philosophy of utilitarianism, as the Achilles' heel of capitalism which has provided the ground for the vulnerability of this system, especially in the twentieth century. Baker considers the restructuring of the free market system and the continuation of the optimal functioning of this system in the 21st century to be subject to serious reforms in the philosophy of capitalism, namely utilitarianism, with an emphasis on the theory of justice of John Rawls and Thomas Pogge. He believes that effective measures to reduce inequality in wealth within and between countries should be taken to reduce dirty money and debt forgiveness of developing countries. Baker also recommends institutional changes in the structure of the World Bank and the financial system of developed countries to reduce the creation and flow of dirty money from developing and transition countries. In this article, while evaluating the form and content of Baker's book, his innovations in the critique of the global capitalist system are presented from within and compared with other critiques of capitalism, and suggestions for updating the book are presented.

**Keywords:** Capitalism, Free Market System, Illegality, Dirty Money, Inequality, Utilitarianism, Justice.

---

\* Assistant Professor, Department of Theoretical Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabataba'i University, mjnourahmadi@atu.ac.ir

Date received: 25/01/2021, Date of acceptance: 22/05/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## بررسی و نقد کتاب

### پاشنه آشیل سرمایه‌داری: پول کثیف و چگونگی احیای نظام بازار آزاد

محمدجواد نوراحمدی\*

#### چکیده

کتاب پاشنه آشیل سرمایه‌داری به تبیین تأثیر پول کثیف در عملکرد نظام سرمایه‌داری جهانی می‌پردازد. ریموند بیکر، نویسنده کتاب، زنجیره سه‌حلقه‌ای به هم وابسته و دارای تأثیرات متقابل شامل بی‌قانونی، نابرابری، و فلسفه مطلوبیت‌گرایی را به منزله پاشنه آشیل سرمایه‌داری معرفی می‌کند که زمینه آسیب‌پذیری این نظام را مخصوصاً در قرن بیستم فراهم کرده است. بیکر تجدید ساختار نظام بازار آزاد و تداوم عملکرد بهینه این نظام را در قرن بیست‌ویکم منوط به اصلاحات جدی در فلسفه حاکم بر سرمایه‌داری، یعنی مطلوبیت‌گرایی با تأکید بر نظریه عدالت جان رالز و توماس پوگ، می‌داند. او معتقد است که باید اقدامات مؤثری برای کاهش نابرابری ثروت در داخل کشورهای جهان و بین آنها از طریق کاهش پول کثیف و بخشش بدهی کشورهای در حال توسعه انجام شود. بیکر هم‌چنین تغییرات نهادی در ساختار بانک جهانی و نظام مالی کشورهای پیشرفته را برای کاهش ایجاد و جریان پول کثیف از کشورهای در حال توسعه و در حال گذار به کشورهای پیشرفته توصیه می‌کند. در این مقاله، ضمن ارزیابی شکلی و محتوایی کتاب، نوآوری‌های بیکر در نقد نظام سرمایه‌داری جهانی از درون مطرح و با سایر نقدهای سرمایه‌داری مقایسه و پیش‌نهادهایی به منظور روزآمدشدن کتاب مطرح می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** سرمایه‌داری، نظام بازار آزاد، بی‌قانونی، پول کثیف، نابرابری، مطلوبیت‌گرایی، عدالت.

\* استادیار گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، mjnourahmadi@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱



## ۱. مقدمه

در نظام‌های مالی ملی و بین‌المللی، انواع و شکل‌های مختلفی از پول‌شویی رایج است. ریموند بیکر، نویسنده کتاب *پاشنه آشیل سرمایه‌داری: پول کثیف و چگونگی احیای نظام بازار آزاد*، به جای پول‌شویی از اصطلاح پول کثیف (dirty money) استفاده می‌کند و آن را به این صورت تعریف می‌کند: «پولی که به صورت غیرقانونی تحصیل، منتقل یا خرج شده باشد» (بیکر ۱۳۹۶: ۲۳). بیکر پول کثیف را به سه شکل طبقه‌بندی می‌کند: مجرمانه، فاسد، و تجاری. پول کثیف از نوع تجاری شامل فرار مالیاتی و پنهان کردن هویت گروه‌های ذی‌نفع می‌شود. پول کثیف از نوع فاسد از طریق رشوه و سرقت توسط مسئولان و مقامات دولتی حاصل می‌شود، در حالی که نوع مجرمانه آن شامل عایدات حاصل از تجارت برده، مواد مخدر، تن‌فروشی، و تأمین مالی تروریسم می‌شود (بیکر ۱۳۹۶).

بیکر رئیس سازمان یک‌پارچگی مالی جهانی (Global Financial Integrity: GFI) است که سال‌های زیادی از عمر خود را به‌عنوان بازرگان در نیجریه سپری کرده است. او دانش دست‌اول گسترده‌ای درباره چگونگی عملکرد پدیده پول کثیف (dirty money phenomenon) در دنیای واقعی دارد. او درباره سازوکار ایجاد، مبانی فلسفی، و پی‌آمدهای پول کثیف سال‌های زیادی مطالعه کرده است. کتاب *پاشنه آشیل سرمایه‌داری* نشان می‌دهد که بیکر فردی واقع‌بین، معتقد به نظام سرمایه‌داری، دارای وجدان اجتماعی قوی، و بسیار حساس به تأثیرات انسانی پدیده‌های اقتصادی است. بیکر با تأکید بحث می‌کند که پول کثیف دلالت‌هایی جدی برای حقوق بشر دارد و در آن بسیاری از سوءاستفاده‌هایی را آشکار می‌کند که توسط نظریه‌های دستوری محکوم شده است. به‌علاوه، بیکر ادعا می‌کند که یکی از عوامل اصلی ایجاد نابرابری گسترده در میان و داخل ملت‌ها پول کثیف است (Dunfee et al. 2007: 730).

شاید یکی از بحث‌برانگیزترین مواضع اتخاذشده در این کتاب این باشد که فلاسفه مطلوبیت‌گرا و دانشکده‌های کسب‌وکار به ایجاد یک محیط مساعد اجتماعی و اقتصادی برای انتقال گسترده منابع از فقیرترین مردم روی زمین به ثروت‌مندترین آن‌ها کمک کرده‌اند. پول کثیف آن‌طور که توسط بیکر به‌تصویر کشیده شده است، در تقابل با ترتیبات نهادی پیش‌نهادی جان رالز، در کتاب *درباره نظریه عدالت*، است. بیکر معتقد است که سیاست‌ها و فرایندها در نظام مالی جهانی به‌صورتی هماهنگ از ثروت‌مندان، به هزینه فقرا، حمایت می‌کند (ibid.).

این مقاله موارد زیر را به ترتیب پس از مقدمه مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. به معرفی نویسنده و توصیف ظاهری اثر و ارزیابی شکلی آن می‌پردازد؛
۲. به‌طور خلاصه موضوعات اصلی و اهداف مطرح‌شده در کتاب را از طریق بررسی بخش‌ها و فصول کتاب توضیح می‌دهد؛
۳. نقد سرمایه‌داری از درون راه، که توسط بیکر انجام شده است، براساس سایر نقدها و تحلیل‌های ارائه‌شده درباره سرمایه‌داری مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛
۴. نوآوری‌های کتاب بیکر را تصریح و کاستی‌های آن را مطرح می‌کند؛
۵. ترجمه کتاب را مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛
۶. در پایان نتیجه‌گیری مقاله را ارائه می‌دهد.

## ۲. معرفی نویسنده، توصیف اثر، و ارزیابی شکلی آن

ریموند بیکر نویسنده کتاب پاشنه آشیل سرمایه‌داری: پول‌های کثیف و چگونگی تجدید سیستم بازار آزاد است که فایننشیال تایمز (*Financial Times*) آن را از بهترین کتاب‌ها در زمینه کسب‌وکار در سال ۲۰۰۵ معرفی کرد. بیکر رئیس یک‌پارچگی مالی جهانی (GFI)، سازمانی مبتنی بر تحقیق و حمایت در واشنگتن دی‌سی، است. جی‌اف‌آی (GFI) سیاست‌های ملی، چندجانبه، تضمین‌ها، و توافق‌هایی را برای محدود کردن جریان مرزی پول‌های غیرقانونی ترویج می‌کند. بیکر عضو هیئت عالی جریان‌های مالی غیرقانونی از آفریقا است که توسط مجمع اقتصادی سازمان ملل متحد برای آفریقا به ریاست رئیس‌جمهور سابق آفریقای جنوبی، تابومبیکی، تشکیل شده است. بیکر مدرک کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی را از دانشکده کسب‌وکار هاروارد دارد. از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۹۶ در تجارت خصوصی فعالیت می‌کرده است. او پانزده سال در نیجریه زندگی و تعدادی شرکت بازرگانی را تأسیس کرد. سپس با حفظ منافع در آفریقا، با تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه جهان، به مدت بیست سال به تجارت اشتغال داشت. از ۱۹۹۶ بیکر در سمت دانشمند میهمان به مدت شش سال در مؤسسه بروکینگز در واشنگتن دی‌سی به سر برد و درباره رابطه بین فساد، پول‌شویی، فقر، و نابرابری به تحقیق و تألیف پرداخت. پروژه‌ای را تحت عنوان «فرار سرمایه، فقر، و اقتصاد بازار آزاد» با کمک‌هزینه بنیاد «جان دی. و کاترین تی. مک آرتور» انجام داد. به ۲۳ کشور جهان سفر کرد تا با ۳۲۵ بانک‌دار مرکزی، بانک‌داران تجاری، مقامات دولتی، اقتصاددانان، حقوق‌دانان، جمع‌آوری‌کنندگان مالیات، افسران امنیتی، و

جامعه‌شناسان درباره روابط بین رشوه، فرار مالیاتی تجاری، پول‌شویی، و رشد اقتصادی مصاحبه کند (<<https://www.gfintegrity.org/staff-member/ramond-baker>>). بیکر، علاوه بر کتاب پاشنه آشیل سرمایه‌داری، مقالاتی در زمینه پول کثیف نوشته است که عبارت‌اند از: «بزرگ‌ترین حفره در نظام بازار آزاد» (Baker 1999)، «فرار غیرقانونی سرمایه: خطرهایی برای ثبات جهانی» (Baker 2000)، و «چگونه پول کثیف فقرا را گرفتار می‌کند» (Baker 2004).

## ۱,۲ ارزیابی طرح جلد کتاب

طرح جلد نسخه فارسی کتاب عده‌ای از افراد را با لباس‌های فاخر و با چشم‌بندهای سارقان در اطراف میزی نشان می‌دهد که روی آن دفترهای حساب و قراردادهای تجاری به چشم می‌خورد. طراح جلد می‌خواهد سرقت‌های مالی را در ظاهری قانونی و به‌دست افرادی با ظاهری معتبر به تصویر بکشد.

طرح جلد انگلیسی کتاب کره زمین را به‌رنگ نارنجی به‌تصویر کشیده است. در بالا و پایین کره زمین از آبی پررنگ استفاده شده است. علامت دلار به‌رنگ سبز در بالای کره زمین قرار گرفته است. کلمه سرمایه‌داری با رنگ سفید و آشیل با رنگ زرد در بالای کره زمین، پول کثیف با رنگ قرمز در مرکز کره زمین، و نظام بازار آزاد در فضایی سفیدرنگ در پایین کره زمین حروف‌چینی شده است. در روان‌شناسی رنگ‌ها، رنگ آبی احساس اعتماد و امنیت القا می‌کند. در تحقیقات شناختی اولین دو رنگی که در مغز پردازش می‌شوند قرمز و زردند. رنگ زرد توجه را به‌خود جلب می‌کند (آشیل) و رنگ قرمز شدت توجه را تحریک می‌کند و فوریت را نشان می‌دهد (پول کثیف). نارنجی فراخوان به حرکت را ایجاد می‌کند و برای تحریک هیجان و شور و شوق مفید است (کره زمین). سبز تیره معمولاً با مفهوم ثروت، دارایی، و بانک هم‌راه است و می‌تواند احساس صلح، امید، اعتماد، و آرامش را به‌هم‌راه بیاورد (علامت دلار) (Hossein Nezhad et al. 2013). به‌طور خلاصه طرح جلد انگلیسی بر توجه به پاشنه آشیل سرمایه‌داری با محوریت پول کثیف تأکید می‌کند و توجه همه را به نجات سرمایه‌داری جهانی و نظام مبتنی بر بازار آزاد جلب می‌کند.

## ۲,۲ ارزیابی ویرایش و نگارش ترجمه کتاب

قطع کتاب، نوع، اندازه قلم، و صفحه‌آرایی مناسب است. صحافی کتاب خیلی مناسب نیست و شیرازه کتاب در همان روزهای اول مطالعه از هم گسسته می‌شود. علاوه‌بر تعدادی

از اصلاحات که در ترجمه تیرها باید اعمال شود، زیرفصل‌ها نیز به لحاظ نسبت و جایگاه با تیر اصلی فصول باید بازآرایی شود. ویرایش ادبی از قبیل علائم سجاوندی و رعایت قواعد نگارشی و ویرایشی در اثر رعایت شده است. معادل انگلیسی اسامی و اصطلاحات خاص در پاورقی ارائه شده است. اصول علمی ارجاع‌دهی در درون متن رعایت شده است. منابع مورد استفاده و توضیحات تکمیلی در قالب پی‌نوشت در انتهای کتاب و به تفکیک فصول ارائه و در انتهای کتاب نیز نمایه اعلام و اصطلاحات ارائه شده است.

## ۳،۲ مخاطبان کتاب

این کتاب در زمره کتاب‌های اقتصاد سیاسی می‌گنجد و اولین کتاب از مجموعه نقد سرمایه‌داری از درون است که انتشارات دنیای اقتصاد آن را در قطع وزیری و در ۵۳۶ صفحه با جلد شومیز در سال ۱۳۹۶ چاپ کرده است. سجاد امیری مترجم این کتاب است. انتشارات دنیای اقتصاد سه کتاب دیگر در قالب این مجموعه را ترجمه و چاپ کرده است که عبارت‌اند از: بازار آری، کاپیتالیسم نه، اقتصاد و آرمان‌شهر، و سرمایه‌دار علیه سرمایه‌داری.<sup>۳</sup>

از این کتاب می‌توان به‌عنوان کتاب کمک‌درسی برای درس نظام‌های اقتصادی دانشجویان رشته اقتصاد و درس اقتصاد سیاسی رشته علوم سیاسی استفاده کرد. هم‌چنین، برای دانشجویان رشته‌های سیاست‌گذاری عمومی، حقوق، جامعه‌شناسی، مدیریت مالی، اخلاق کسب‌وکار، فلسفه اخلاق، و حساب‌داری نیز قابل استفاده است.

## ۳. تحلیل و ارزیابی محتوای اثر

در این بخش از مقاله، به بررسی محتوای کتاب بیکر می‌پردازیم.

### ۱،۳ بررسی سؤال، هدف اصلی، و نظم منطقی حاکم بر کتاب

بیکر هدف از تألیف این کتاب را مشارکت در اصلاح نظام بازار آزاد و برداشتن گامی مثبت برای تجدید و احیای ظرفیت‌های عظیم نظام سرمایه‌داری می‌داند (بیکر ۱۳۹۶: ۲۲). او معتقد است شالوده و ساختار نظام اقتصاد جهانی با نقص‌های بنیادی مواجه است. این مسئله‌ای است که او در کتاب موردکاوش قرار می‌دهد (همان: ۲۱). بیکر در مورد اهمیت مسئله موردبررسی در کتاب می‌نویسد:

طی چهل سال فعالیت در بیش از شصت کشور دنیا، من نظاره‌گر روند نامشروع و فاسد نظام بازار آزاد بوده‌ام. هم‌چنین تأثیر این رویکرد را بر زندگی مردم محروم ساکن در تمام شش قاره دیده‌ام و در این مسئله تأمل کرده‌ام که چگونه این شرایط - بی‌قانونی و نابرابری شدید - از دل اصول و آموزه‌هایی برآمده است که آدام اسمیت مطرح کرده بود که اتفاقاً هدفش جلوگیری از بروز چنین پی‌آمدهایی بود (همان).

بیکر برای دست‌یابی به هدف خود در کتاب *پاشنه آشیل سرمایه‌داری* خواننده کتاب را دعوت به هم‌راهی در مسیری می‌کند که هدفش زیرذره‌بین قراردادن نظام بازار آزاد جهانی است؛ مسیری که با بررسی مبادلات نامشروع جزئی آغاز می‌شود و آن‌گاه تخلفات گسترده جنایت‌کاران، تروریست‌ها، و شرکت‌های چندملیتی را پوشش می‌دهد. پس از آن به حوزه نابرابری‌های درآمدی جهانی ورود می‌کند که به واسطه شیوع تخلفات در سازوکار سرمایه‌داری بین‌المللی وخیم‌تر شده است. آن‌گاه نوبت به موشکافی شالوده‌های فلسفی می‌رسد که به نظر بیکر توجیه‌کننده نقص‌های این نظام‌اند و سرانجام او بحث خود را با ارائه راه‌کارهایی برای احیای سرمایه‌داری، گسترش پتانسیل‌ها، و موهبات فراوان آن برای کل بشریت جمع‌بندی می‌کند و آن را به‌تمام می‌رساند (همان: ۱۱).

جمع‌بندی نهایی بیکر این است که می‌توان بر چالش‌های ناشی از سه مسئله بی‌قانونی، فقر، و فلسفه فائق آمد که به نظر او پاشنه آشیل سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهند. به نظر بیکر، اولاً اگر اراده سیاسی وجود داشته باشد، می‌توان بی‌قانونی را، که به بازار آزاد جهانی رخنه کرده است، از طریق چند اقدام ساده متوقف کرد، بدون این‌که به بهره‌وری و رشد آسیبی وارد شود. ثانیاً می‌توان، با تعهد به توزیع عادلانه ثروت، نابرابری را در جهت منافع هر دو قشر فقرا و اغنیا تا حد زیادی کاهش داد و سرانجام باید با تناقض بین اندیشه‌های پویایی که از دانشکده‌های فلسفه آمریکا اروپا برآمده‌اند و توجیهات متعصبانه برای وضع فعلی قوانین حامی بازار آزاد مواجه شد (همان: ۲۳).

### ۲,۳ بررسی مختصر بخش‌ها و فصول کتاب

ریموند بیکر محتوای کتاب را در قالب چهار بخش و سیزده فصل ارائه کرده است. سه بخش اول به پاشنه آشیل سرمایه‌داری با محوریت پول کثیف ناظر است. در بخش‌های اول، دوم، و سوم سه چالش را مطرح می‌کند. یکی از این چالش‌ها متوجه بخش تجارت و بانک‌داری است. دومین چالش بانک جهانی و دیگر مؤسسات مالی بین‌المللی را نشانه رفته



است، سومین چالش به اندیشمندان سراسر این کره خاکی معطوف است، و بخش چهارم به تجدید بنا و احیای نظام بازار آزاد و مقاوم‌سازی نظام سرمایه‌داری در مقابل آسیب‌پذیری حاکم بر آن اختصاص یافته که در سه بخش اول کتاب در قالب پاشنه آشیل سرمایه‌داری معرفی شده است.

قبل از شروع بخش‌های چهارگانه، بیکر در فصل اول، تحت عنوان «سرمایه‌داری جهانی، منجی یا یغماگر؟» به تبیین وجه تسمیه کتاب می‌پردازد. از منظر بیکر، سه مقوله بی‌قانونی، فقر، و فلسفه تحریف‌شده بر روی یک پیوستار (زنجیره) قرار می‌گیرند و همین نقایص ساختاری هستند که پاشنه آشیل سرمایه‌داری را آشکار می‌کنند (بیکر ۱۳۹۶: ۳۳). ماهیت و عملکرد حاضر سرمایه‌داری جهانی، ثبات، و آینده این نظام تحت تأثیر این سه مقوله‌اند (همان: ۳۴). جمع‌بندی نهایی بیکر از فصل اول این است: «اگر قرار باشد سرمایه‌داری برای جمعیت میلیاردری رو به رشد دنیا منابع کافی فراهم آورد، ما باید با بی‌قانونی افسارگسیخته مبارزه کنیم، نابرابری را کاهش دهیم، و ساختارهای حمایت‌گر بازار آزاد را بر مبنای اصول عدالت جهانی دوباره پی‌ریزی کنیم» (همان: ۳۷).

### ۱،۲،۳ حلقه اول زنجیره پاشنه آشیل سرمایه‌داری: بی‌قانونی

بخش اول کتاب تحت عنوان «بی‌قانونی؛ ما این پول را دوست داریم» در قالب فصول دوم تا چهارم، که تقریباً نیمی از حجم کتاب را به خود اختصاص می‌دهد، به معرفی پول‌کثیف و تبیین سازوکار ایجاد و جریان آن از کشورهای در حال توسعه و در حال گذار به کشورهای پیشرفته می‌پردازد.

بیکر در فصل دوم تحت عنوان «مشارکت در بازی» پول‌کثیف را این‌گونه تعریف می‌کند: «پول‌کثیف پولی است که به‌طور غیرقانونی تحصیل، منتقل یا خرج شده باشد» (بیکر ۱۳۹۶: ۴۳). وی پول‌کثیف را به سه دسته تقسیم می‌کند: مجرمانه، فاسد، و تجاری. «بخش مجرمانه عواید حاصل از گستره بی‌کران فعالیت‌های شرورانه از جمله اخاذی، خرید، و فروش کالاها، تقلبی و قاچاق، قاچاق انسان، تجارت برده، اختلاس، جعل اسناد، جعل اوراق بهادار، تقلب در کارت اعتباری، سرقت، سوءاستفاده جنسی، تن‌فروشی، و نظایر آن را در بر می‌گیرد» (همان: ۴۳). اجزای فاسد ریشه در رشوه‌گیری و دزدی‌های مقامات حکومتی دارد (همان). بخش تجاری پول‌کثیف در حوزه بین‌المللی دو ویژگی دارد که آن را از گردش‌های قانونی خروجی از کشور متمایز می‌کند: اول این‌که معمولاً نوعی فرار مالیاتی است. دوم این‌که در اسناد و بایگانی‌های کشور مبدأ تقریباً ناپدید می‌شوند

(همان: ۴۴). نکته جالب از نظر بیکر در مورد انواع پول کثیف این است که هر سه شکل پول کثیف از حیل‌های مشابهی برای گذر از مجاری بین‌المللی استفاده می‌کنند، مانند: سندسازی قلابی، شرکت‌های صوری، بانک‌های صوری، بهشت‌های مالیاتی، پناهگاه‌های مالیاتی برون‌مرزی، قیمت‌گذاری کاذب، تبانی، حق حساب، حساب‌های بانکی بی‌نام، تغییر ماهیت مبادلات، و نظایر آن (همان).

فصل سوم کتاب بیکر تحت عنوان «جریان پول کثیف در عمل» بزرگ‌ترین فصل کتاب (تقریباً یک پنجم حجم کتاب) را تشکیل می‌دهد. بیکر در مورد مقصد پول‌های کثیف این پرسش و پاسخ را مطرح می‌کند: «به‌راستی پول‌ها کجا رفتند؟ در خزانه‌های غربی، جایی که به لطف و رازداری غربی‌ها نسبت به ثروت‌مندان جهان به‌خوبی از قدیسان و شروران استقبال خواهد شد» (همان: ۸۴). سپس به تبیین مشارکت ریگ‌بانک، پینوشه، اویانگ، عربستان سعودی، نیجریه، اندونزی، و پاکستان در فرایند تولید پول کثیف از نوع فاسد آن می‌پردازد (همان: ۸۶-۱۳۱). در ادامه به تشریح بخش مجرمانه پول کثیف در عمل و در قالب مواد مخدر، تبه‌کاران، و تروریست‌ها می‌پردازد. در این بخش به تبیین نقش افغانستان، کلمبیا، و پرو در زمینه مواد مخدر می‌پردازد (همان: ۱۳۱-۱۴۷). سپس به سایر موارد مجرمانه پول کثیف در قالب فعالیت‌های مجرمانه بین‌المللی و گروه‌های تبه‌کار بزرگ در کشورهای کره شمالی و ژاپن می‌پردازد (همان: ۱۴۷-۱۶۷). معرفی سازمان‌های تروریستی در سراسر دنیا، مانند القاعده و عراق، بخش پایانی موارد مجرمانه پول کثیف را در بر می‌گیرد (همان: ۱۶۸-۱۸۶). بخش پایانی فصل سوم به تشریح پول کثیف از نوع تجاری می‌پردازد و تجربه کنگو، چین، و روسیه را در این زمینه بررسی می‌کند (همان: ۱۸۷-۲۲۲). بیکر در فصل چهارم، تحت عنوان «ارقام و کژفهمی‌ها»، این سؤال را مطرح می‌کند که «میزان واقعی پول کثیف چه قدر است؟». بیکر معتقد است که ارزیابی از پول کثیف جهانی را به دو طریق می‌توان انجام داد: از بالا به پایین و از پایین به بالا. «مراد من از بالا به پایین تخمین پول کثیف به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی جهانی است و منظورم از پایین به بالا محاسبه مجموع اجزای تشکیل‌دهنده آن است» (همان: ۲۲۵). براساس رویکرد بالا به پایین و براساس این دیدگاه که پول‌شویی ۲ تا ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را به‌خود اختصاص می‌دهد (ادعای مایکل کامدسوس در سال ۱۹۹۸) و با در نظر گرفتن عدد ۳۲ تریلیون دلار برای تولید ناخالص داخلی جهانی، رقم کلی مبادلات حاوی پول کثیف تقریباً حدود ۶۴۰ میلیارد تا ۱/۶ تریلیون دلار در سال است (همان: ۲۲۶). برآورد بیکر براساس رویکرد پایین به بالا این است که مجموع پول‌های خروجی از کل

کشورها یک تریلیارد دلار و سهم کشورهای در حال توسعه ۵۰۰ میلیارد دلار است (همان: ۲۳۹). در ادامه فصل چهارم، به تلاش‌ها و اقدامات مبارزه با پول‌شویی از دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در ایالات متحده با تصویب قانون کنترل پول‌شویی در ۱۹۸۶، تشکیل گروه ویژه اقدام مالی توسط گروه هفت در ۱۹۸۹، قانون میهن‌دوستی در ایالات متحده در ۲۰۰۱، و سایر قوانین بین‌المللی اشاره می‌کند و تجربه ناموفق ایالات متحده، بریتانیا، و سوئیس را در این زمینه بررسی می‌کند و این‌طور جمع‌بندی می‌کند که این تلاش‌ها و اقدامات انتقال پول‌های تظہیر شده را متوقف نکرده است و نرخ ناکامی ۹۹/۹ درصد بوده است (همان: ۲۳۹-۲۷۲). بیکر در انتهای فصل چهارم و در پایان بخش اول کتاب، طی یادداشتی خطاب به اهالی تجارت و بانک‌داران غربی، اولین چالش پیش‌روی نظام سرمایه‌داری، که اولین حلقه از زنجیره پاشنه آشیل سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد، بی‌قانونی‌های فراگیری اعلام می‌کند که از ویژگی‌های سرمایه‌داری جهانی شده است و آن‌ها را به در نظر گرفتن هزینه‌های فراوان پول‌های کنیف در قالب مواد مخدر، جنایت جهانی، تروریسم، فساد، کشورهای شکست‌خورده، کشورهای در حال تقلا، فقر شدید، و جرائم شرکتی در کنار فایده ناشی از ورود پول‌های کنیف به کشورهای غربی دعوت می‌کند و معتقد است که هزینه پول‌های کنیف بسیار بیش‌تر از فایده‌های آن است و سرمایه‌داری جهانی را تهدید می‌کند (همان: ۲۷۴-۲۷۹).

### ۲,۲,۳ حلقه دوم زنجیره پاشنه آشیل سرمایه‌داری: نابرابری

بخش دوم کتاب، تحت عنوان «نابرابری؛ شکاف اهمیت دارد»، در قالب فصول پنجم، ششم، و هفتم به پیوند بین پول‌کنیف، فقر، و نابرابری جهانی می‌پردازد؛ پیوندی که از نگاه بیکر حلقه دوم زنجیره تهدیدکننده سرمایه‌داری است. بیکر در مورد اهمیت این حلقه می‌نویسد: «از میان تمام ویژگی‌های سرمایه‌داری جهانی، چه خوب و چه بد، تنها واقعیتی که پتانسیل متلاشی کردن این ساختار را دارد، نابرابری است. این لغزش عمارت این نظام را درهم فروخواهد ریخت» (بیکر ۱۳۹۶: ۲۸۶).

بیکر در فصل پنجم، تحت عنوان «واگرایی جهانی»، چند پرسش اساسی مطرح می‌کند: اول این‌که آیا معیارهای پولی و مالی مبنایی مناسب برای ارزیابی فقر و نابرابری‌اند؟ دوم آیا فقر جهانی در حال افزایش است یا کاهش؟ سوم می‌پذیریم که روند حرکت فقر نامشخص است، در مورد نابرابری چه، آیا رو به افزایش است یا کاهش؟ پاسخ بیکر به این سه سؤال بدین قرار است: ۱. من هیچ اطمینانی ندارم که کدام‌یک از آمارهای پولی یا غیرپولی ارزیابی

بهتری از فقر ارائه می‌دهند، ۲. هنوز نمی‌توان حکم قطعی صادر کرد که فقر جهانی رو به کاهش است یا افزایش، ۳. داده‌های مدعی کاهش فقر جهانی یا افزایش آن هر دو متقن نیستند. او سپس پرسش چهارم را این‌گونه مطرح می‌کند که آیا رشد اقتصادی برای فقرای جهان مفید است؟ پاسخ بیکر این است که قطعاً رشد و توسعه متقابلاً ظرفیت منفعت‌رساندن به فقرا را دارند. پرسش پنجم آیا جهانی‌سازی به معنای تجارت آزاد و گردش آزاد سرمایه برای فقرا سودمند است؟ پاسخ بیکر این است که گشودگی به تجارت و گردش سرمایه می‌تواند برای فقرا سودمند باشد، اما این دسترسی به بازار آزاد اغلب به گردش برون‌مرزی پول کثیف، فساد، مجرمانه، و تجاری منتهی می‌شود که در نهایت منابع را مستقیم از دست‌رس فقرا خارج خواهد کرد و طبقه فرودست جامعه را به‌زانو در خواهد آورد (همان: ۲۹۸-۳۰۸).

بیکر در انتهای فصل پنجم تلاش می‌کند تا نشان دهد که تمامی داده‌های مربوط به نابرابری و بیش‌تر داده‌های مربوط به فقر ناقص و نادرست‌اند (همان: ۳۱۲). هم‌چنین، نشان می‌دهد که «تنها پول نامشروعی که سالانه از کشورهای فقیر خارج می‌شود، چند برابر کل پول متعلق به پنجک درآمدی انتهایی جهانی است» (همان: ۳۱۶).

بیکر در فصل ششم، تحت عنوان «من نمی‌فهمم و به کسی نگو»، به بررسی تأثیر کمک‌های خارجی و خروج پول کثیف در کاهش فقر و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه می‌پردازد و عملکرد بانک جهانی را این‌گونه زیر سؤال می‌برد که بسیاری از افراد به‌ویژه در بانک جهانی بر وجوهی متمرکز شده‌اند که به کشورهای فقیر وارد می‌شوند، مخصوصاً به وام‌ها، کمک‌ها، و پولی که از این کشورها خارج می‌شوند و دست‌کم به بخش غیرقانونی آن توجه ندارند (همان: ۳۲۰). به نظر بیکر، نگاه داشتن پول کثیف در کشورهای فقیر، که به‌زعم او سالانه مبلغی در حدود پانصد میلیارد دلار است، در مقایسه با هر اقدام دیگری که برای تقویت سلامت، آموزش، مصرف، سرمایه‌گذاری، رشد، و به احتمال فراوان دموکراسی و ثبات اتخاذ شود، کارایی بیش‌تری دارد (همان: ۳۴۴). هم‌چنین، تأثیر نهایی ارسال کمک‌های خارجی و جذب پول کثیف توسط غرب آسیب‌دیدن فقرای جهان است (همان: ۳۴۷).

بیکر در فصل هفتم، تحت عنوان «اهمیت سهم ۷۰ تا ۹۰ درصدی ثروت‌مندان از کل درآمد جهانی» مدعی می‌شود که «ما قرن بیستم را با عدم توازن درآمدی شدید و رو به رشد پشت‌سر گذاشتیم. آیا می‌توانیم قرن بیست‌ویکم را نیز به همین صورت به‌پایان برسانیم؟ جمع‌بندی بیکر این است: «این وضعیت نمی‌تواند تا پایان قرن بیست‌ویکم دوام

داشته باشد. فشارهای حاصله — اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، و حتی ژنتیکی — غیرقابل تحمل خواهند بود» (همان: ۳۵۴-۳۵۵).

بیکر، در پایان فصل هفتم و انتهای بخش دوم، یادداشتی را خطاب به بانک جهانی در قالب چالش دوم، که دومین زنجیره از پاشنه آشیل سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد، تحت عنوان «خروج غیرقانونی سرمایه از کشورهای در حال توسعه» ارائه می‌دهد (همان: ۳۶۶) و معتقد است بانک جهانی پتانسیل این را دارد که مهم‌ترین نهاد در خدمت توسعه بشری در قرن بیست و یکم باشد. هم‌چنین، تأکید می‌کند که آینده سرمایه‌داری به کاهش فقر و نابرابری پیوند خورده است (همان: ۳۶۷).

### ۳,۲,۳ حلقه سوم زنجیره پاشنه آشیل سرمایه‌داری: فلسفه تحریف‌شده

بیکر در بخش سوم کتاب، تحت عنوان «عدم مطلوبیت؛ بتنام اسمیت را ناکار می‌کند»، در قالب فصول هشتم تا یازدهم به بررسی زیربنای فلسفی نظام سرمایه‌داری می‌پردازد، زیرا به‌زعم بیکر، پذیرش نابرابری شدید و حتی ترویج آن نمی‌تواند در خلأ فکری سر برآورد. بی‌قانونی شایع تاجران و بانک‌داران بدون مبنای فکری به‌وجود نخواهد آمد (بیکر ۱۳۹۶: ۳۷۲). سپس سؤال می‌کند: «چرا جهانی که ۷۰ تا ۹۰ درصد از کل درآمد آن به یک گروه مرفه ۲۰ درصدی تعلق دارد، برای ما قابل تحمل است؟ چرا ما نسبت به ساختارهای قانونی که موجب ابقای معاملات غیرقانونی شده و نابرابری را تشدید می‌کنند، بی‌تفاوتیم؟» (همان: ۳۷۳). پاسخ بیکر به این پرسش‌ها این است: «به‌واسطه منحرف‌شدن از راه آدام اسمیت و درآغوش کشیدن جرمی بتنام» (همان: ۳۷۲). بیکر برای تبیین این ادعای خود در فصول هشتم، نهم، و دهم شالوده‌های فلسفی نظام بازار را بررسی می‌کند؛ عنصری اساسی که به‌نظر بیکر شاید مهم‌ترین عنصر برای درک زنجیره فساد حاکم بر سرمایه‌داری است (همان: ۳۷۲).

بیکر در فصل هشتم، تحت عنوان «رنج آدام اسمیت»، پس از مرور اجمالی زندگی آدام اسمیت و معرفی مختصر دو کتاب معروف او یعنی *نظریه احساسات اخلاقی* و *ثروت ملل*، به تشریح مشکل یا مسئله آدام اسمیت می‌پردازد. کتاب *عواطف اخلاقی* برپایه دیدگاه اسمیت در قبال هم‌دردی به‌مثابه تنظیم‌کننده مهم رفتار انسانی بنا شده است که موجب برانگیختن برازندگی، لیاقت، خیرخواهی، و دوراندیشی در انسان‌های متشخص می‌شود، اما در *ثروت ملل* او نیروی برانگیزاننده دیگری را برای انسان اقتصادی معرفی می‌کند: نفع شخصی (همان: ۳۸۶). مشکل یا مسئله آدام اسمیت از این‌جا نشئت می‌گیرد که عواطف

اخلاقی برمبنای هم‌دردی و ثروت ملل برپایه نفع شخصی بنا شده است. در جمع‌بندی فصل، بیکر در مورد وجه تسمیه عنوان فصل، با تأکید بر این‌که علاقه اولیه اسمیت و تعهد اصلی او به فلسفه اخلاق بود، معتقد است که ما بازار آزاد او را اتخاذ می‌کنیم، اما اخلاقیاتش را فراموش می‌کنیم، دقیقاً همان چیزی که اسمیت نمی‌خواست اتفاق بیفتد (همان: ۳۹۳).

عنوان فصل نهم، یعنی «شادمانی جرمی بنتام»، در تقابل با عنوان فصل هشتم قرار دارد که «رنج آدم اسمیت» بود. بیکر در این فصل به بررسی نحوه تشریح فلسفه مطلوبیت‌گرایی توسط جرمی بنتام و سپس تکامل این فلسفه در اندیشه جان استوارت میل می‌پردازد. پس از طرح ویژگی‌های فلسفه مطلوبیت‌گرایی و نقدهای وارد بر این فلسفه، بیکر تأکید می‌کند که فلسفه بنتام تأثیرگذاری نظریه عواطف اخلاقی آدم اسمیت را کم‌رنگ کرد (همان: ۴۰۹).

بیکر در فصل دهم، تحت عنوان «فلسفه فرهنگ می‌شود»، دنبال تبیین این نکته است که فلسفه به معنای واقعی می‌تواند به فرهنگ و فرهنگ به واقعیات اقتصادی تبدیل شود (همان: ۴۱۲). او معتقد است که از اواخر قرن ۱۷۰۰ تا اوایل قرن ۱۹۰۰، فلسفه مطلوبیت‌گرایی در سرمایه‌داری نفوذ کرده و محاسبه فایده در اقتصاد جای خود را باز کرده است.

بیکر سپس به فرعی بودن عدالت در اندیشه مطلوبیت‌گرایی می‌پردازد و معتقد است که «مطلوبیت‌گرایی، از همان آغاز، نقطه عزیمت خود را به خطا برمی‌گزیند. این دیدگاه با تأکید بر فایده آن را بالاتر از انصاف قرار می‌دهد» (همان: ۴۲۵). فلسفه‌ای که در آغاز عدالت را نادیده می‌گیرد، به دشواری می‌تواند در انتها به عدالت منتهی شود. «همان‌گونه که مارکسیسم انگیزه و تحرک را تضعیف می‌کند، مطلوبیت‌گرایی عدالت را به تحلیل می‌برد» (همان: ۴۳۱). بیکر معتقد است که سرمایه‌داری باید عدالت را در حکم یکی از تعهدات اصلی‌اش در خود جای دهد. بدون کنار گذاشتن مطلوبیت‌گرایی و مقدم شمردن عدالت سرمایه‌داری در سال‌های پیش‌رو تشکیلات اقتصادی ناکارآمدی خواهد بود (همان: ۴۳۳).

در پایان فصل دهم و در انتهای بخش سوم، بیکر یادداشتی خطاب به فلاسفه، اقتصاددانان، نظریه‌پردازان سیاسی، و اندیشمندان علوم اجتماعی درباره حلقه سوم زنجیره پاشنه آشیل سرمایه‌داری می‌نویسد و آن‌ها را به این دعوت می‌کند که بنیان‌های جدیدی برای سرمایه‌داری در قرن بیست‌ویکم ارائه دهند (همان: ۴۳۴).

### ۴,۲,۳ بررسی چگونگی تجدید ساختار نظام سرمایه‌داری جهانی

در بخش چهارم کتاب، تحت عنوان «درست مدیریت کن؛ به سیستم اعتماد داشته باش»، در قالب فصول یازدهم، دوازدهم، و سیزدهم، بیکر به بررسی نحوه تجدید بنای نظام سرمایه‌داری جهانی می‌پردازد.

در فصل یازدهم، تحت عنوان «پاشنه آشیل سرمایه‌داری»، بیکر ضمن تشریح وضعیت موجود در نظام سرمایه‌داری جهانی ضرورت و اهمیت تجدید ساختار در این نظام را مورد تأکید قرار می‌دهد. او تأکید می‌کند که بی‌قانونی شایع است، نابرابری شگفت‌آور است، و فلسفه تحریف‌شده سنگ‌بنای هر دوی این پی‌آمدهاست. این سه ویژگی سرمایه‌داری جهان امروز بر روی پیوستاری قرار دارند که در آن هر کدام از این عناصر به‌طور نامحسوسی به درون دیگری جریان پیدا می‌کنند. این پیوستار تهدیدی برای پیشرفت جهانی محسوب می‌شود و در قرن بیست‌ویکم نیاز است که این سه واقعیت اصلاح شوند و پیوند بین آن‌ها گسسته شود (بیکر ۱۳۹۶: ۴۴۶). بیکر به نقش نهادهای جهانی در این زمینه اشاره می‌کند:

ما تشکیلات یک‌پارچه‌ای از نهادها و سازوکارها را ایجاد کرده‌ایم که به‌منظور فریب‌دادن و کلاه‌برداری از هم‌نوعان خود در جامعه جهانی و طفره‌رفتن از مسئولیت‌هایمان در قبال ملت خود و دیگر ملل طراحی شده است. قاچاقچیان مواد، تبه‌کاران، تروریست‌ها، مقامات فاسد، شرکت‌ها، مدیران عامل، و فرارکنندگان مالیاتی از این تشکیلات بهره می‌برند. ابزارهایی که به‌کار گرفته می‌شوند و کسانی که از این ابزارها استفاده می‌کنند، نظام سرمایه‌داری را تحلیل می‌برند (همان: ۴۴۷).

او در مورد سهم و نقش کشورهای غربی در این وضعیت معتقد است که ثروت‌مندترین کشورها بزرگ‌ترین اشاعه‌دهندگان بی‌قانونی در حوزه تجاری و مالی دنیا هستند. در فرایندی که در پوشش کسب‌وکاری مطلوب و مساعد جلوه می‌کند، پول نامشروع به‌مقدار تریلیون‌ها دلار به راحتی در گردش است. این پول به‌مدد سازوکار طراحی شده توسط کشورهای غربی به گردش درمی‌آید تا سالانه صدها میلیارد دلار را وارد خزانه‌های غربی کند (همان: ۴۴۷). بیکر ریشه همه این مسائل را در فلسفه مطلوبیت‌گرایی می‌داند و بر این باور است که سرمایه‌داری با داشتن مطلوبیت‌گرایی در کنار خود می‌تواند فقر و نابرابری را توجیه کند و حتی هر جا که نیاز به برآورده کردن اهداف پیشینه‌سازی خودساخته و خودمدارش داشته باشد، بهانه‌ای برای طفره‌رفتن از قانون را فراهم آورد (همان: ۴۵۰). «سرمایه‌داری به‌شیوه‌ای که امروزه اعمال می‌شود، بی‌عدالتی را گسترش می‌دهد» (همان: ۴۴۹).

بیکر در فصل دوازدهم، تحت عنوان «گسترش رفاه»، به ارائه راه‌حل‌های پیش‌نهادی خود برای رفع این معضلات جدی می‌پردازد که امروزه سرمایه‌داری جهانی آشکارا با آن مواجه‌اند. او معتقد است برای رفع سه معضل موجود در امتداد زنجیره تهدیدکننده سرمایه‌داری تنها مسئله عزم و اراده مطرح است. به نظر او، تنها در صورتی که اراده لازم وجود داشته باشد، می‌توانیم اعمال نامشروع را متوقف کنیم. فقر و نابرابری را می‌توان با اجرای درست نظام بازار تقلیل داد. «شالوده‌های فلسفی تحریف‌شده سرمایه‌داری را می‌توان با رویکردی جدید و تمرکز بر عدالت که از پشت دیوار فضا‌های آکادمیک در حال پدیدارشدن است، جای‌گزین کرد» (همان: ۴۵۱).

مطالب فصل دوازدهم در سه قسمت ارائه شده است: اول مبارزه با بی‌قانونی و نابرابری، دوم تجدید ساختار بانک جهانی، و سوم مقدم قرارداد عدالت. در مورد مبارزه با بی‌قانونی و نابرابری چند نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد. بیکر معتقد است که با توجه به برآورد پانصد میلیارد دلاری عواید غیرقانونی خروجی از کشورهای فقیر، بهترین کاری که غرب می‌تواند برای بقیه جهان انجام دهد، جلوگیری کردن از این جریان است که نتیجه‌اش باقی‌ماندن سالانه صدها میلیارد دلار در کشورهای فقیر است و می‌توان آن را صرف ترویج سرمایه‌گذاری، تقویت تجارت، بهبود روند جمع‌آوری مالیات، آموزش و سلامت، کاهش فقر، و ثبات‌بخشیدن به کشورهای ضعیف کرد (همان: ۴۵۱-۴۶۵).

بیکر در مورد تجدید ساختار بانک جهانی معتقد است که مدیران اجرایی بانک جهانی باید متحول شوند. در میان این مدیران و دیگر مقامات ارشد باید جامعه‌شناسان، عالمان سیاسی، روان‌شناسان، و حتی فلاسفه بیش‌تری حضور داشته باشند؛ افرادی که گستره وسیع‌تری از پرسش‌های توسعه‌ای را مطرح خواهند کرد، بیش‌تر از آنچه بانک جهانی تا به امروز ارائه کرده است (همان: ۴۷۴).

بیکر در مورد تقدم عدالت، پس از ارائه مختصری از اندیشه‌های جان رالز و توماس پوگ در زمینه عدالت و عدالت جهانی، فصل دوازدهم را جمع‌بندی و تأکید می‌کند که بزرگ‌ترین چالش رهبران فردا در حوزه کسب‌وکار حقوق، اقتصاد، و هم‌چنین سیاست گذار از مطلوبیت‌گرایی به عدالت است (همان: ۴۸۲).

بیکر در آخرین فصل کتاب، یعنی فصل سیزدهم تحت عنوان «احیای سرمایه‌داری»، در پاسخ به این سؤال که چرا باید به احیای سرمایه‌داری متعهد باشیم؟، سه دلیل یا ترکیبی از دلایل را لازمه تغییر سرمایه‌داری می‌داند: ترس، انسانیت، و منافع شخصی. اولین دلیل برای تغییر ترس است:



گردش‌های مالی نامشروع، تحریف‌شده، و مخفی محیطی سرشار از ریسک برای حامیان سرمایه‌داری ایجاد کرده و درمقابل از میزان ریسک‌های پیش‌روی جنایت‌کاران و تبه‌کاران می‌کاهد. از این رو، خود سرمایه‌داری با ریسکی مواجه است که ممکن است اعتبارش را لکه‌دار کند (همان: ۴۸۴).

دومین دلیل تغییر حس بشردوستی است. بیکر معتقد است که شکاف عظیم بین فقیر و غنی بنیان‌های مشترک انسانی ما را به‌خطر می‌اندازد و کوشش‌های ما برای رسیدن به رفاه گسترده و مشترک را تحلیل می‌برد (همان: ۴۸۶). از نظر بیکر، الزام‌آورترین و مجاب‌کننده‌ترین انگیزه برای تغییر نفع شخصی است، زیرا «حفاظت از سرمایه‌داری به نفع ماست. هیچ چیزی به اندازه مشوق‌ها و انگیزه‌هایی که درون بازار آزاد در جریان‌اند، در آزادکردن نیروی انسانی کارآمد نیست. سرمایه‌داری اگر درست به اجرا درآید و به نظامش اعتماد داشته باشیم، می‌تواند موجب ترقی کل بشریت شود» (همان: ۴۸۷).

بیکر، در ادامه فصل سیزدهم، موضوع تقدم عدالت را این‌گونه مطرح می‌کند که آینده سرمایه‌داری، چه در نظر و چه در عمل، به عدالت گره خورده است. فرودستی عدالت تحت تفاسیر بنیادی مطلوبیت‌گرایی به پایان راه خود رسیده است و سرمایه‌داری باید مبانی جدیدی را جای‌گزین کند که سنگ بنایش تقدم عدالت به‌عنوان تعهد نخستین باشد (همان: ۴۸۸). هم‌چنین، معتقد است که عدالت راه‌بردی در مسیر رشد است. جهان عادلانه‌ای که قدرت خرید و رفاه را به میلیون‌ها انسان دیگر اعطا می‌کند، در مقایسه با جهانی ناعادلانه که دائم منابع را به‌شکل غیرقانونی در اختیار ثروت‌مندان قرار می‌دهد، نرخ رشد سریع‌تر و تولید ناخالص بالاتری خواهد داشت. بیکر تصریح می‌کند: «دراولویت قرارداد عدالت می‌تواند به پیشینه‌کردن سود بینجامد، اما مقدم‌انگاشتن سود و فایده نمی‌تواند به پیشینه‌کردن عدالت منتهی شود» (همان: ۴۸۹).

بیکر در جمع‌بندی فصل آخر کتاب تصریح می‌کند که اصلاح و احیای سرمایه‌داری باید به گسترده‌ترین عرصه، یعنی جامعه جهانی، تعمیم پیدا کند. او در مسیر احیای جهان سرمایه‌داری سه نقطه هدف را مطرح می‌کند: اولین نقطه هدف این است که بزرگ‌ترین حامی نظام بازار آزاد، یعنی ایالات متحده، قوانینی را تصویب کند که براساس آن وجوه خارجی همانند وجوه داخلی تلقی شوند و با آن‌ها یک‌سان برخورد شود (همان: ۴۹۱). نقطه هدف دوم به بانک جهانی مربوط می‌شود. هنگامی که بانک جهانی کل معادله مالی کاهش فقر و پیشرفت اقتصادی را صادقانه و شفاف در دستورکار خود قرار دهد، مسئله فقر و نابرابری جهانی با چرخشی اساسی مواجه خواهد شد. بانک باید بدون ترس و

جانب‌داری و بدون تهدیدشدن از جانب اهالی بخش مالی یا دولت‌های غربی به این کار مبادرت ورزد (همان: ۴۹۲). سومین نقطه هدف زمانی قابل‌دستیابی خواهد بود که دانشجویان بیش‌تری با درک این موضوع از دانشگاه‌ها و مدارس عالی فارغ‌التحصیل شوند که جهانی که در آن زندگی می‌کنیم نتیجه انتخاب‌ها و تصمیم‌هایی است که تاکنون اتخاذ کرده‌ایم و بدیل‌هایی برای تغییر آن موجود است. جهانی که غرق در فلسفه‌ای شده که عدالت را به گوشه‌ای رانده است، می‌تواند جای‌گزین جهانی شود که عدالت را در مرکز قرار می‌دهد (همان).

### ۳,۳ تحلیل درونی و نقد جایگاه اثر

درباره ضرورت انجام اصلاحات و تغییرات در نظام سرمایه‌داری، حامیان و مدافعان نظام سرمایه‌داری دیدگاه‌های مختلفی تاکنون ارائه کرده‌اند. ریموند بیکر، در کتاب *پاشنه آشیل سرمایه‌داری*، از یک سو در مقام مدافع و حامی سرسخت نظام سرمایه‌داری با تأکید بر استفاده از نام نظام بازار آزاد به جای سرمایه‌داری بر نشان‌دادن پی‌آمدهای مثبت این نظام در ایجاد رشد و رونق اقتصادی در اقتصاد جهانی سعی دارد و از سوی دیگر، در مقام مدافع حقوق بشر مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، با تأکید بر پول کثیف به‌عنوان محور اصلی پاشنه آشیل سرمایه‌داری (زنجیره سه‌حلقه‌ای بی‌قانونی، نابرابری، و فلسفه تحریف‌شده)، بر پررنگ‌نشان‌دادن آسیب‌پذیری‌های نظام سرمایه‌داری، مخصوصاً در قرن بیست‌ویکم، سعی دارد و همه حامیان این نظام را به اصلاح و احیای قابلیت‌های مثبت نظام سرمایه‌داری و کاهش نقاط ضعف این نظام دعوت می‌کند.

از نقاط قوت بیکر در این کتاب، معرفی زنجیره سه‌حلقه‌ای یا پیوستار بی‌قانونی، نابرابری، و فلسفه تحریف‌شده به‌منزله پاشنه آشیل سرمایه‌داری است که تقریباً پوشش‌دهنده مهم‌ترین انتقادات سایر منتقدان نظام سرمایه‌داری اعم از حامیان و مخالفان این نظام است. تأکید بر نهادهای اقتصادی موجود در این نظام، مخصوصاً نهاد حقوق مالکیت، تأکید بر پی‌آمدهای نهاد حقوق مالکیت خصوصی در زمینه توزیع درآمد و نابرابری و نقد مبنای فلسفی نظام سرمایه‌داری در نوشته‌های سایر منتقدان و حامیان سرمایه‌داری مانند آدام اسمیت، کارل مارکس، شهید صدر، جان رالز، جوزف استیگلیتز، داگلاس نورث، توماس پیکتی، هرناندو دسوتو، رابرت برو، الینور آستروم، و عجم اوغلو مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه به نقد دیدگاه‌های بیکر براساس برخی از نظرهای سایر منتقدان و حامیان نظام سرمایه‌داری می‌پردازیم.

### ۱,۳,۳ ارزیابی تأکید بیکر بر نواقص موجود در نهادهای اقتصادی ملی و بین‌المللی

بیکر به‌درستی منشأ اصلی ایجاد، انتقال، و مصرف پول‌کنیف در نظام مالی بین‌المللی را در نهادهای اقتصادی کشورهای در حال توسعه، توسعه‌یافته، و اقتصاد جهانی مطرح می‌کند. تحصیلات دانشگاهی بیکر در رشته مدیریت بازرگانی بوده و تجربیات عملی زیادی در زمینه پول‌کنیف داشته است. بنابراین، حجم وسیعی از کتاب به ارائه شواهد عینی در این زمینه اختصاص یافته است. بیکر می‌توانست با کاهش بخش اول کتاب، که تقریباً نیمی از حجم کتاب را به خود اختصاص داده و هم‌چون دستورکار و راهنمایی برای افراد علاقه‌مند به ورود به کسب‌وکار پول‌کنیف عمل کرده و به سؤالاتی که با «چگونه» شروع می‌شود پاسخ داده و شواهد تجربی کافی را برای چگونگی گردش پول‌کنیف در اقتصاد جهانی ارائه کرده است. به ارائه دلایل نظری کافی برای وقوع بی‌قانونی براساس نظریه‌ها و دیدگاه‌های اقتصاددانان نهادگرا پردازد و مقداری از بخش اول را، براساس مبانی نظری اقتصاد نهادگرای، به سؤالاتی از این قبیل اختصاص دهد که چرا پول‌کنیف ایجاد، منتقل، و مصرف می‌شود. در ادامه برخی از دیدگاه‌های اقتصاددانان را براساس تحلیل نهادهای اقتصادی مطرح می‌کنیم که می‌تواند به‌منزله مبانی نظری پدیده پول‌کنیف استفاده شود.

داگلاس نورث نهادها را محدودیت‌های بشری مشتمل بر قوانین و مقررات رسمی و غیررسمی می‌داند که نحوه تعامل انسان‌ها، ساختار انگیزشی جوامع، و به‌طور خاص اقتصاد را سازمان‌دهی می‌کنند. نورث معتقد است:

سازمان‌هایی که به‌وجود می‌آیند فرصت‌های ارائه‌شده توسط ماتریس نهادی را منعکس می‌کنند، یعنی اگر چهارچوب نهادی به دزدی دریایی پاداش می‌دهد، سازمان‌های دزدی دریایی به‌وجود می‌آیند و اگر چهارچوب نهادی، فعالیت‌های تولیدی را پاداش می‌دهد، سازمان‌هایی به‌وجود می‌آیند که درگیر فعالیت‌های تولیدی باشند (North 1994).

بنابراین، سازوکار انگیزشی موجود در نهادهای اقتصادی کشورهای در حال توسعه و نیز در نظام مالی بین‌المللی زمینه پیدایش و گسترش پول‌کنیف را فراهم کرده است. رابرت برو، با نقد سیاست خارجی ایالات متحده مخصوصاً در زمان وزارت خارجه مادلین آلبرایت مبنی بر مقدم‌بودن توسعه دموکراسی بر توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، تأکید می‌کند که اجرای حاکمیت قانون - حقوق مالکیت و بازارهای آزاد - مقدم بر دموکراسی است، زیرا این ویژگی‌های نهادی برای رشد اقتصادی اهمیت بیش‌تری

دارند. البته در بلندمدت، حاکمیت قانون گرایش به ایجاد دموکراسی پایدار به‌وسیله توسعه اقتصادی دارد (Barro 2013).

عجم اوغلو، در کتاب *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند*، دو دسته از نهادهای اقتصادی را از یک‌دیگر تفکیک می‌کند: نهادهای فراگیر و نهادهای بهره‌کش. منظور از نهادهای فراگیر، اعم از نهادهای سیاسی و اقتصادی، نهادهایی است که امکان فعالیت آزاد را برای همه شهروندان فراهم می‌کنند. نهادهای بهره‌کش در نقطه مقابل قرار دارند و راه ورود عموم را به قدرت سیاسی و فعالیت‌های اقتصادی می‌بندند و این مزایا را در اختیار نخبگان خاص قرار می‌دهند (عجم اوغلو ۱۳۹۳: ۱۵). نهادهای اقتصادی فراگیر موجب تقویت حقوق مالکیت می‌شوند و زمینه‌ای را فراهم می‌کنند که باعث تشویق سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید و مهارت‌های جدید می‌شوند و این امر به رشد اقتصادی منجر خواهد شد. نهادهای اقتصادی بهره‌کش، که ساختار آن‌ها در جهت بهره‌گیری منابع برای گروهی خاص است، در حفظ حقوق مالکیت ناکام می‌مانند و نمی‌توانند چنین رشدی به‌وجود آورند، زیرا با حضور چنین نهادهایی انگیزه کافی برای فعالیت اقتصادی وجود نخواهد داشت (همان: ۵۱۱).

باتوجه به دیدگاه‌های فوق، متوجه می‌شویم که سازوکار انگیزشی حاصل از نهادهای اقتصادی می‌تواند زمینه پیدایش پول‌کثیف، اقتصاد غیررسمی، و فعالیت‌های اقتصادی غیرمولد را فراهم کند. نکته مهمی که در زمینه نهادهای اقتصادی مطرح می‌شود، این است که چگونه می‌توان نهادهای اقتصادی را به‌نحوی تغییر داد که انگیزه فعالیت اقتصادی مولد، قانونی، رسمی، و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی را برای کشورهای در حال توسعه فراهم کند؟ اقتصاددانان نهادگرایی چون داگلاس نورث، عجم اوغلو، و ویلیامسون به این سؤال پاسخ‌های متعددی داده‌اند. الینور آستروم یکی از تأمل‌برانگیزترین پاسخ‌ها را ارائه داده است. او معتقد است که به‌رغم وجود نهادهای اقتصادی متنوع و غیرجهان‌شمول در کشورهای مختلف که به تأثیر از شرایط سیاسی، حقوقی، فرهنگی، و تاریخی آن‌هاست، می‌توان اصول و قواعدی جهان‌شمول را برای طراحی نهادهای اقتصادی ارائه کرد. خانم آستروم، در کتاب *فهم تنوع نهادی*، هشت اصل را برای طراحی نهادهای اقتصادی ارائه می‌کند (آستروم ۱۳۹۴: ۴۰۵). البته در مورد نهادهای اقتصادی بین‌المللی لازم است که طراحی این نهادها با مشارکت برابر و منصفانه همه کشورهای و بدون در نظر گرفتن امتیازهای ویژه‌ای مانند حق و تو و تأثیرپذیری از قدرت‌های سیاسی و اقتصادی انجام شود. بنابراین، برای حفظ عدالت در گستره بین‌المللی، تجدید ساختار سازمان‌های بین‌المللی باید در دستورکار قرار داده شود.

### ۲,۳,۳ ارزیابی تأکید بیکر بر نابرابری به‌منزله حلقه دوم زنجیره پاشنه آشیل

#### سرمایه‌داری

بیکر، در بخش دوم کتاب، به درستی به نابرابری به‌منزله مهم‌ترین پی‌آمد بی‌قانونی و به پدیده پول‌کثیف و دومین حلقه از زنجیره پاشنه آشیل سرمایه‌داری اشاره می‌کند. وی به خوبی واقف است که پدیده نابرابری پدیده‌ای چندعلتی است و به بی‌قانونی، به‌مثابه یکی از دلایل وقوع نابرابری در اقتصادهای ملی و جهانی، می‌پردازد، ولی بهتر بود که بیکر، ضمن تقویت مبانی نظری مربوط به نابرابری، به تحلیل مختصر تأثیر سایر عوامل مؤثر در پیدایش نابرابری مانند شرایط جغرافیایی و آب‌وهوایی، نقش نظام‌های سیاسی استبدادی و دیکتاتوری، تأثیر استعمار، انقلاب‌های صنعتی، و جنگ‌های نظامی و اقتصادی نیز می‌پرداخت. کتاب‌های چرا ملت‌ها شکست می‌خورند نوشته عجم اوغلو، بهای نابرابری نوشته جوزف استیگلیتز، و سرمایه در قرن بیست و یکم نوشته توماس پیکتی برخی از دلایل گسترش نابرابری در اقتصاد جهانی و نیز اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته‌ای چون ایالات متحده را تبیین کرده‌اند و پیش‌نهادهای سیاستی در زمینه اصلاح نهادهای اقتصادی ملی و بین‌المللی را ارائه کرده‌اند.

### ۳,۳,۳ ارزیابی مبانی فلسفی تحریف‌شده به‌منزله سومین حلقه از پاشنه آشیل

#### سرمایه‌داری

بیکر با این‌که در رشته مدیریت بازرگانی تحصیل کرده و بخش زیادی از عمر خود را در تجارت و بازرگانی بین‌المللی صرف کرده است، در بخش سوم این کتاب، مانند یک صاحب‌نظر در زمینه فلسفه اخلاق به تحلیل مبانی فلسفی نظام سرمایه‌داری و مبانی اخلاقی توجیه‌کننده بی‌قانونی و نابرابری در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته پرداخته است. بیکر، با بررسی پیشینه مبانی فلسفی نظام سرمایه‌داری در اندیشه آدم اسمیت، به نحوه از صحنه‌به‌درکردن فلسفه اخلاق مبتنی بر حقوق طبیعی اسمیت توسط بتام پس از طرح نظریه فلسفی مطلوبیت‌گرایی بتامی اشاره می‌کند. سپس به تبیین نحوه نفوذ اندیشه مطلوبیت‌گرایی در علم اقتصاد و مخصوصاً مکتب اقتصاد نئوکلاسیک می‌پردازد. او به خوبی فلسفه حاکم بر سرمایه‌داری جهانی را مطلوبیت‌گرایی اعلام می‌کند و برای اصلاح مبنای فلسفی نظام سرمایه‌داری جهانی توجه به مفهوم عدالت جهانی براساس نظریه عدالت جان رالز و توماس پوگ را پیش‌نهاد می‌کند.

بیکر به خوبی دو سنت فلسفی مبتنی بر حقوق طبیعی و مطلوبیت‌گرایی را در مقابل هم قرار می‌دهد. کار بیکر کامل‌تر خواهد شد، اگر به ریشه‌های فلسفی انسان‌شناسی این دو سنت در قرن هفدهم در آرای فلاسفه سیاسی مانند توماس هابز و نیز جان لاک بپردازد. هم‌چنین بهتر بود که بیکر به نقش حقوق مالکیت خصوصی به‌عنوان پایه اصلی نهادی نظام سرمایه‌داری اشاره می‌کرد، نقش این نهاد را در مفاهیمی مانند آزادی اقتصادی و عدالت اقتصادی بررسی می‌کرد، و تأثیر این نهاد را در نابرابری موجود در نظام سرمایه‌داری، براساس اندیشه‌های متفکرانی مانند آدام اسمیت، دیوید هیوم، کارل مارکس، میلتون فریدمن، و فون هایک، موردتوجه قرار می‌داد.

#### ۴. نقد روزآمدی محتوای اثر

ریموند بیکر در کتاب *پاشنه آشیل سرمایه‌داری*، براساس تجربیات عملی خود در تجارت و بازرگانی و مبتنی بر مطالعات نظری خود در زمینه پول کثیف، نابرابری، و مبانی فلسفی نظام سرمایه‌داری، نوآوری‌های ذیل را ارائه کرده است:

۱. آموزش جزئی و کاربردی پدیده پول کثیف به خوانندگان کتاب، به‌نحوی که برخی از مرورکنندگان کتاب در این زمینه اظهار نگرانی کرده‌اند که ممکن است این کتاب «به دفترچه راهنمای آموزش پول‌شویی تبدیل شود» (Partony 2005).

۲. نشان می‌دهد و محاسبه می‌کند که پدیده پول کثیف سالانه حدود پانصد میلیارد دلار را از اقتصادهای کم‌تر توسعه‌یافته به سمت اقتصادهای توسعه‌یافته منحرف می‌کند. او معتقد است که این رقم، ده برابر کل مقدار کمک‌های خارجی از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای درحال توسعه است.

۳. نقش سازمان‌ها و نهادهای تخصصی مالی را در عملیات پدیده پول کثیف مستند می‌کند و معتقد است که این پدیده بدون مشارکت فعال و زیرکانه نهادهای مالی بزرگ و متخصصان حرفه‌ای سطح بالا شامل حساب‌داران، وکیلان، و مشاوران مالی پایدار نخواهد بود.

۴. نشان می‌دهد که فرهنگ فراگیر مطلوبیت‌گرایی این پدیده را تغذیه می‌کند. او ادعا می‌کند که مطلوبیت‌گرایی در شیوه زندگی، کار، و تفکر جوامع اروپایی و آمریکایی تعبیه شده است. هم‌چنین، معتقد است که دقیقاً همان‌گونه که مارکسیسم انگیزه را تضعیف می‌کند، مطلوبیت‌گرایی نیز عدالت را تضعیف می‌کند. به همین دلیل، باید یک مبنای فلسفی

جای‌گزین ارائه شود تا سرمایه‌داری بتواند پتانسیل کامل خود را تحقق بخشد. همان‌طور که سرمایه‌داری در جایگاه یک نظام اثبات کرده است که قادر به خلق ثروت زیادی است.

۵. سیاست و دلالت‌های سیاسی رونق پدیده پول‌کثیف را نشان می‌دهد.

۶. درخواست کمک از سیاست‌گذاران و دانشگاهیان؛ در یادداشت اول فیلسوفان، اقتصاددانان، نظریه‌پردازان سیاسی، و دانشمندان علوم اجتماعی را مخاطب قرار می‌دهد، در یادداشت دوم انجمن‌های تجاری و بانکی غربی را مخاطب قرار می‌دهد، و در یادداشت سوم بانک جهانی را مخاطب قرار می‌دهد.

۷. پاشنه آشیل سرمایه‌داری بخش پایانی را به بحث درباره درمان‌های این پدیده اختصاص می‌دهد.

۸. یکی دیگر از نقاط قوت کتاب بیکر تعمیم نگاه خود درباره نظام سرمایه‌داری از کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته با طرح مفهوم سرمایه‌داری جهانی به اقتصاد جهانی است. همین امر موجب شده است که او برای احیای سرمایه‌داری اصلاح نهادها و سازمان‌های بین‌المللی را، بر مبنای مفهوم عدالت جهانی مطرح شده توسط جان رالز و توماس پوگ، پیش‌نهاد کند و به صورت خاص سیاست‌مداران آمریکا، بانک جهانی، و دانشگاهیان سراسر جهان را به این امر دعوت کند.

برخی از مواردی که در کتاب پاشنه آشیل سرمایه‌داری جایشان خالی است و افزودن آن‌ها می‌تواند به غنای علمی و پژوهشی کتاب بیکر کمک کند به شرح زیر است:

۱. بیکر در تبیین عوامل مؤثر در پیدایش پول‌کثیف در سرمایه‌داری بر بی‌قانونی تأکید می‌کند و ارتباط بی‌قانونی با نهادهای قراردادی موجود در نظام مالی جهانی را تشریح می‌کند، ولی رابطه بین بی‌قانونی، حقوق مالکیت خصوصی، و در نتیجه عدالت را مورد بررسی قرار نمی‌دهد. مطالعه کارهای استیگلیتز، پیکتی، و هایک در این زمینه توصیه می‌شود.

۲. بیکر بر مبنای فلسفی تحریف‌شده نظام سرمایه‌داری تأکید می‌کند، ولی سازوکار طراحی نهادهای اقتصادی برانگیزاننده فعالیت‌های غیرقانونی و مولد پول‌کثیف را مورد تحلیل قرار نمی‌دهد. مطالعه کارهای خانم الینور آستروم، داگلاس نورث، و عجم اوغلو در این زمینه مفید است.

۳. بیکر بر فلسفه مطلوبیت‌گرایی به منزله مبنای اخلاقی توجیه‌کننده نابرابری، بی‌قانونی، و لذا بی‌عدالتی در سرمایه‌داری جهانی اصرار می‌ورزد و ریشه‌های این فلسفه را در قرن

هجدهم و در اندیشه‌های جرمی بتام دنبال می‌کند، ولی زمینه‌های اولیه‌ی این فلسفه را در قرن هفدهم و در آثار توماس هابز جست‌وجو نمی‌کند.

۴. بیکر بر فلسفه حقوق طبیعی در اندیشه‌ی آدام اسمیت تأکید می‌کند، ولی تأثیر این فلسفه در مفهوم عدالت و پی‌آمدهای حقوق مالکیت خصوصی بر نابرابری را در اندیشه‌ی اسمیت بررسی نمی‌کند. ضمن این‌که ریشه‌های فلسفه حقوق طبیعی را در اندیشه‌های فیلسوف سیاسی قرن هفدهم، یعنی جان لاک، مورد بررسی قرار نمی‌دهد. آدام اسمیت به پی‌آمدهای نابرابری ناشی از مالکیت خصوصی واقف بود، ولی در عین حال آن را برای فقرا بهتر از مالکیت اشتراکی می‌دانست (نوراحمدی ۱۳۹۲: ۱۸۴).

۵. بیکر بر نابرابری به‌عنوان پی‌آمد مهم بی‌قانونی و پول‌کثیف تأکید می‌کند، ولی به سایر عوامل مؤثر در نابرابری در اقتصاد جهانی مانند استبداد و دیکتاتوری، استعمار، انقلاب‌های علمی، و جنگ‌های نظامی و اقتصادی اشاره‌ای نمی‌کند.

۶. بیکر دورشدن از فلسفه اخلاق در دوران پس از اسمیت تا نیمه‌ی دوم قرن بیستم و تألیف کتاب *نظریه عدالت جان رالز* را به نفوذ و حاکمیت فلسفه مطلوبیت‌گرایی در علم اقتصاد نسبت می‌دهد، در حالی‌که برخی از صاحب‌نظران معتقدند که یکی از دلایل دورشدن علم اقتصاد از مباحث فلسفی و اخلاقی واکنشی بود که اقتصاددانان نئوکلاسیک به حمله‌ی مارکس به نظام سرمایه‌داری و اندیشه‌های اقتصادی مکتب کلاسیک نشان دادند (همان: ۲۷۱).

۷. بیکر *نظریه عدالت جهانی جان رالز* و توماس پوگ را جای‌گزین مناسبی برای فلسفه مطلوبیت‌گرایی به‌منظور اصلاح نظام سرمایه‌داری معرفی می‌کند، ولی در مورد منتقدان جدی نظریه عدالت رالز در بین طرف‌داران آزادی فردی مانند فریدمن، هایک، میزز، و نوزیک کم‌تر به بحث می‌پردازد.

۸. به‌طور خلاصه می‌توان گفت، به‌غیر از بخش سوم، دو بخش اول و دوم کتاب که به بررسی بی‌قانونی و نابرابری در سرمایه‌داری جهانی می‌پردازند، به ارائه مبانی نظری نیاز دارند. ضمن این‌که مبنای نظری بخش سوم درباره فلسفه تحریف‌شده نیز مستلزم تقویت و افزایش استحکام استدلال‌های مطرح‌شده است.

## ۵. نقد ترجمه متن

معادل‌های فارسی اصطلاحات تخصصی و عمومی انگلیسی منتخب مترجم به‌طور کلی مناسب است. در عین حال، برخی از پیش‌نهادهای اصلاحی برای تعدادی موارد به‌منظور



ارتقای چاپ‌های بعدی کتاب به شرح ذیل است. ترجمه و اصلاح پیش‌نهادی داخل گیومه ارائه شده است.

اولین واژه‌ای که به‌نظر می‌رسد نیازمند بازنگری است، در عنوان کتاب قرار دارد. پیش‌نهاد می‌شود که به‌جای کلمه «احیای نظام» از «تجدید ساختار نظام» استفاده شود، زیرا منظور نویسنده کتاب ایجاد تغییرات نهادی و اصلاح مبنای فلسفی نظام سرمایه‌داری است. تنها در یک صورت می‌توان از کلمه احیا استفاده کرد که منظورمان احیای سرمایه‌داری موردنظر آدام اسمیت باشد که در طی ۲۵۰ سال اخیر از مسیر موردنظر اسمیت، هم از جهت نهادی هم از منظر فلسفه اخلاق، فاصله گرفته است.

عنوان فصل اول در صفحه ۲۵ به‌جای «سرمایه‌داری جهانی، منجی یا یغماگر» به «سرمایه‌داری جهانی، ناجی یا غارت‌گر» تغییر یابد. در صفحه ۴۵ به‌جای عنوان «راه‌نمای کاربرد پول‌کنیف» بهتر است که «راه‌نمای استفاده‌کنندگان از پول‌کنیف» جای‌گزین شود. در عنوان صفحه ۱۸۷ به‌جای «برگ برنده» باید از «پول قانونی یک کشور» استفاده کرد. تیتیر صفحه ۲۵۰ تحت عنوان «پیگرد پول‌تروریسم» با «تعقیب پول‌تروریست‌ها» جای‌گزین شود. در صفحه ۲۹۸ بهتر است به‌جای تیتیر «جهان بی‌ثبات» از «جهان نامطمئن» استفاده کرد. به‌جای اصطلاح «پیوستار» در صفحه ۳۱۷ و سایر قسمت‌های کتاب معادل «زنجیره» با مفهوم موردنظر نویسنده هماهنگی بیش‌تری دارد. به‌جای تیتیر «فرجام نامشخص فساد» مناسب‌تر است از «سرانجام فساد» استفاده شود. در صفحات ۲۷۸، ۳۶۶، و ۴۳۴ به‌جای اصطلاح «تذکاریه» از «نامه غیررسمی» یا «یادداشت» استفاده شود. بهتر است که عنوان بخش سوم در صفحه ۳۶۹ از «بتنام اسمیت را ناکار می‌کند» به «بتنام اسمیت را از میدان به‌در می‌کند یا مغلوب می‌کند» تغییر یابد. به‌جای تیتیر فصل هشتم در صفحه ۳۷۵ «رنج آدام اسمیت» از «غم و اندوه آدام اسمیت» استفاده شود تا با تیتیر فصل هشتم در صفحه ۳۹۵ «شادمانی جرمی بتنام» هماهنگ شود. در صفحه ۳۷۶ به‌جای تیتیر «نظریه عواطف اخلاقی» از «نظریه احساسات اخلاقی» استفاده شود. هم‌چنین، در همین صفحه به‌جای «اسباب ثروت ملل» از «علل ثروت ملل» استفاده شود. «مسئله آدام اسمیت» جای‌گزین تیتیر «مشکل آدام اسمیت» در صفحه ۳۸۵ شود. در صفحه ۳۹۸ به‌جای «پی‌آمدگرایی» بهتر است از «نتیجه‌گرایی» استفاده شود. تیتیر «علاقه مرتبط» در صفحه ۴۰۱ با «منافع مرتبط» جای‌گزین شود. هم‌چنین، در همین صفحه به‌جای «اعلامیه حقوق انسان» از «اعلامیه حقوق بشر» استفاده شود. هم‌چنین، تیتیر «اشکالات» در صفحه ۴۰۶ با «مسائل» تعویض شود. تیتیر «آمیزش بزرگ» در صفحه ۴۱۳ با «القا یا الهام بزرگ» جای‌گزین شود. اصطلاح «انقلاب

مارژینال» در صفحه ۴۱۴ با «انقلاب نهایی گرا» جای‌گزین شود. در همین صفحه، «مارژینال نزولی» با «مطلوبیت نهایی نزولی» جای‌گزین شود. در صفحه ۴۲۰ به‌جای تیترا «فایده در قرن بیستم» از «مطلوبیت در قرن بیستم» استفاده شود. به‌جای لفظ «کاربست» در تیترا صفحه ۴۲۴ از واژه «تجربه» استفاده شود. در صفحه ۴۲۵ به‌جای «چهار جنبه سرمایه‌داری» از «چهار جنبه مطلوبیت‌گرایی» استفاده شود. در صفحه ۴۵۷ به‌جای اصطلاح «حساب‌های بانکی مبدل» از «حساب‌های بانکی پوششی» استفاده شود. به‌جای «لیبرترین» در صفحه ۴۷۸ از «طرف‌دار آزادی فردی» و به‌جای «آنارشی» از «بی‌حکومتی» استفاده شود. «توماس پوگی» در صفحه ۴۷۹ به «توماس پوگ» تغییر یابد.

## ۶. نتیجه‌گیری

کتاب *پاشنه آشیل سرمایه‌داری*، نوشته ری‌موند بیکر، می‌تواند به‌عنوان کتابی کمکی و مکمل برای درس نظام‌های اقتصادی دانشجویان رشته اقتصاد و نیز اقتصاد سیاسی در رشته علوم سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. ترجمه و ویرایش کتاب مناسب است. تأکید اصلی کتاب بر آسیب‌پذیری‌های نظام سرمایه‌داری جهانی در قالب زنجیره سه‌حلقه‌ای بی‌قانونی، نابرابری، و فلسفه تحریف‌شده با محوریت جریان پول کثیف از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته استوار است. از مزایای کتاب آن است که، ضمن تکیه بر شواهد آماری و تجربی بودن بررسی پول کثیف و نابرابری در دو بخش اول کتاب، در بخش سوم به بررسی و تحلیل مطلوبیت‌گرایی به‌منزله مبنای فلسفی و اخلاقی نظام سرمایه‌داری جهانی پرداخته و در بخش چهارم پیش‌نهادهایی به‌منظور اصلاح و تجدید حیات نظام سرمایه‌داری ارائه کرده است.

کتاب بیکر، در مقایسه با سایر کتاب‌هایی که به نقد نظام سرمایه‌داری پرداخته است، به روزآمد شدن نیاز دارد؛ مخصوصاً با توجه به ۱. مباحث جدید مطرح‌شده در اقتصاد نهاد‌گرای جدید در زمینه سازوکار طراحی و نوآوری نهادی، ۲. سایر نظریه‌های عدالت از جمله نظریه آمارتیاسن، هایک، و نیز دیدگاه‌های مربوط به عدالت در اندیشه متفکران دینی مانند شهید صدر (ره)، ۳. سایر عوامل مؤثر در نابرابری درآمد و ثروت جهانی مانند نهاد‌های استعماری، حکومت‌های استبدادی، و انقلاب‌های صنعتی. نگاه جامع و بین‌رشته‌ای نویسنده به تحلیل و ارائه راه‌حل برای آسیب‌پذیری‌های نظام سرمایه‌داری جهانی از جمله دستاوردهای موفقیت‌آمیز کتاب است که مطالعه آن به همه علاقه‌مندان مسائل اقتصاد جهانی توصیه می‌شود.

## پی‌نوشت‌ها

۱. پاشنه آشیل دلالت بر نقص یا ضعف علی‌رغم سلامت و قدرت عمومی دارد که می‌تواند به انحطاط منجر شود. گرچه در ریشه اساطیری، بر آسیب‌پذیری فیزیکی اشاره دارد، اما در استعارات کنونی می‌تواند بر هر خصیصه‌ای تعمیم داده شود که به شکست منجر شود (Cambridge English Dictionary 2019: "Achilles Heel").

۳. سایر کتاب‌های منتشرشده در مجموعه نقد سرمایه‌داری از درون عبارت‌اند از:

چارتیه، گری و چارلز دلبیو. جانسون (۱۳۹۶)، بازار آری، کاپیتالیسم نه: آنارشویسم فردگرا در برابر مدیران، نابرابری‌ها، قدرت شرکت‌ها و فقر ساختاری، ترجمه مهرداد ملایی، تهران: دنیای اقتصاد.

هاجسن، جفری (۱۳۹۵)، اقتصاد و آرمان‌شهر، ترجمه آرش طهماسبی، تهران: دنیای اقتصاد.  
سوروس، جورج (۱۳۹۲)، سرمایه‌دار علیه سرمایه‌داری، ترجمه امیر کامکار، تهران: دنیای اقتصاد.

## کتاب‌نامه

- آستر، الینور (۱۳۹۴)، فهم تنوع نهادی، ترجمه سیدجمال‌الدین محسنی زنوزی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بیکر، ریموند (۱۳۹۶)، پاشنه آشیل سرمایه‌داری: پول‌کنیف و چگونگی احیای نظام بازار آزاد، ترجمه سجاد امیری، تهران: دنیای اقتصاد.
- عجم اوغلو، دارون و جیمز ای. رابینسون (۱۳۹۳)، چرا کشورها شکست می‌خورند، ترجمه پویا جبل‌عاملی و محمدرضا فرهادی‌پور، تهران: دنیای اقتصاد.
- نوراحمدی، محمدجواد (۱۳۹۲)، مالکیت، عدالت و رشد در تحول اندیشه‌های اقتصادی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

Baker, Raymond (1999), "The Biggest Loophole in the Free Market System", *The Washington Quarterly*, vol. 22, no. 4.

Baker, Raymond (2000), "Illegal Flight Capital Dangers for Global Stability", *International Politic*, no. 6.

Baker, Raymond and Jennifer Nordin (2004), "How Dirty Money Binds the Poor", *Financial Times*.

Baker, Raymond (2005), *Capitalism's Achilles Heel: Dirty Money and How to Renew the Free-Market System*, Hoboken: John Wiley & Sons.

- Barro, Robert J. (2013), *Democracy, Law and Order, and Economic Growth*, Heritage Foundation.
- Cambridge English Dictionary (2019), Available at: <<https://www.dictionary.cambridge.org>>.
- Dunfee, Thomas W. and Colleen Baker (2007), "The Impact of Dirty Money on Global Capitalism", *Business Ethics Quarterly*, vol. 17, no. 4.
- Global Financial Integrity: <<https://www.gfintegrity.org/staff-member/raymond-baker>>.
- Hossein Nezhad, Zahra and Katayoun Kavehnezhad (2013), "Choosing the Right Color: A Way to Increase Sales", *International Journal of Asian Social Science*, vol. 3, no. 6.
- North, Douglass C. (1994), "Economic Performance Through Time", *The American Economic Review*, vol. 84, no. 3.
- Partnoy, F. (2005), "Must-Reads for Budding Fraudsters", *Book Review, Financial Times*.